سرنوشت فلسفه در بیرون از دانشگاه

عقیل یوسف عیدان

ترجمهٔ: سیدمحمدحسین میرفخرائی/مرجع: العربی

یکی از معضلاتی که دانش‌آموختگان دانشگاهی فلسفه چه در دانشگاه‌های عربی و چه غربی با آن مواجه‌اند، این است که فرصت‌های شغلی مرتبط با این رشته اندک‌اند؛ خواه فرصت‌های شغلی بالفعل و خواه بالقوه. در همین راستا می‌خواهم خاطره‌ای از دکتر مرادَ وهبه ذکر کنم. او از استادان فلسفه در دانشگاه عین شمس مصر است. وهبه در گفت‌وگویی تلویزیونی گفت که در سال ۱۹۴۴، وقتی می‌خواسته به بخش فلسفهٔ دانشگاه فؤاد اول(۱) بپیوندد، رئیس وقتِ بخش، جمله‌ای به‌یادماندنی به او گفته است. لامونت، استاد مدعوَ فلسفهٔ یونانی از اسکاتلند، به وهبه گفته است که دانش‌آموختگان رشتهٔ فلسفه، پس از پایان تحصیلاتشان، هیچ کاری پیدا نخواهند کرد یا به‌قول او: «بی‌کار می‌مانی!»

مشاغل ویژهٔ دانش‌آموختگان فلسفه، در بهترین حالت، محدود می‌شود به تدریس در دبیرستان‌ها یا برخی آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها. باوجود چنین محدودیتی، همین که «فیلسوف» یا دانش‌آموختهٔ فلسفه در مؤسسه‌ای تربیتی به تدریس بپردازد، پیشرفت تقریباً جدیدی در تاریخ فلسفه به شمار می‌رود.

تاآنجاکه من دریافتم، فلسفه که در حدود قرن شانزدهم پیش از میلاد و در یونان متولد شد، در آن زمان هیچ‌گاه به‌شکل مادهٔ درسی دانشگاهی درنیامد؛ بلکه در اصل، نوعی زندگی یا روش زندگی بوده یا ابزاری که می‌توان با آن مردمان را یاری کرد تا زندگی بهتری داشته باشند. در اینجا بسیار شایسته است که به فیلسوف «بزرگ»، سقراط (۳۹۹تا۴۶۹ ق‌م) مراجعه کنیم. هر چه باشد او در این زمینه، گواه ما است. سقراط معتقد بود که معرفت(۲) انواعی دارد که برخی از آن‌ها مهم و برخی دیگر کم‌اهمیت‌اند. او می‌گوید بیشترِ مردم بسیاری از «کم‌اهمیت‌ها» را از بَرند؛ مثلاً «پیشه‌وران»(۳)، معرفتِ مهمی در اختیار دارند و آن چگونگی فعالیت در حرفه‌شان است؛ اما چنین معرفتی تنها برای آنان سودمند است، نه برای دیگران. این، آن چیزی نیست که مدنظر سقراط بوده و وی به آن اشاره می‌کند. او مهم‌ترین معرفت را، «شناخت بهترین راه برای زندگی» می‌داند.

سنکا(۴)، فیلسوف رومی، با آغاز عصر مسیحیت، در نامه‌هایی به لوسیلیوس می‌گوید: «به شما خواهم گفت که فلسفه برای انسان‌ها چه همراه دارد: راهنمایی. اگر کسی رویاروی مرگ قرار گیرد و دیگری به‌علت فقر از زندگانی خود ناراضی گردد، زندگی بر او ناگوار خواهد شد؛ گو اینکه در راه ویرانی قرار گرفته و نیازمند کمک می‌شود. در اینجا است که فلسفه به جست‌وجوی امید و یاری برمی‌خیزد.»

ازسوی‌دیگر تقریباً هیچ‌یک از افرادی که با مرگ و تباهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند یا کسانی که به‌سبب تنگ‌دستی و نیاز، ناراضی و دلخورند، حتی تصور هم نمی‌کنند که فلسفه نسبت به مسائل گوناگون گروه‌های مختلف بی‌اعتنا است.

> *** مشاغل ویژهٔ دانش‌آموختگان فلسفه، در بهترین حالت، محدود می‌شود به تدریس در دبیرستان‌ها یا برخی آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها. باوجود چنین محدودیتی، همین که «فیلسوف» یا دانش‌آموختهٔ فلسفه در مؤسسه‌ای تربیتی به تدریس بپردازد، پیشرفت تقریباً جدیدی در تاریخ فلسفه به شمار می‌رود**

چنین مشهور شده است که فلسفهٔ دانشگاهی، دانشی خشک، دشوار و خالی از مهرورزی و احساسات انسانی است و بیشتر به مسائلی از این زندگی واقعی دشوار اهمیت می‌دهد که مجرد، مجازی یا نظری‌اند. همچنین به مسائلِ گوناگون گروه‌های مختلف مردمی، مانند زنان بی‌اعتنا است و به‌طور کلی، روی مسائل تخصصی و فنیِ مربوط به خود تمرکز می‌کند.

این هم ناگفته نماند که وجود دیدگاهی راکد به فلسفه در اسلام، به این دانش آسیب زده و می‌زند. این دیدگاه را نه‌تنها در میان عامهٔ مردم می‌توان یافت، بلکه در میان فلسفه‌ورزان و افراد مرتبط با این حوزه نیز می‌توان دید. برای نمونه می‌توان به عنوان یکی از کتاب‌های سید بطلیوسی(۵) اشاره کرد: الحدائق فی المطالب العالیهٔ الفلسفیهٔ العویصهٔ. (۶)

آنچه در بیشترِ دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها «فلسفه‌ورزی» نامیده می‌شود، درونِ دانشیِ آکنده از اصطلاحات تخصصی و فنی، انحطاط یافته و عنوانِ «بازی فکری» یا چیزی شبیهِ این به خود گرفته است. یکی از موضع‌گیری‌ها و سخنان «مثال‌زدنی» در این رابطه و از زبان فیلسوفی دانشگاهی، متعلق است به برتراند راسل، فیلسوف انگلیسی. او در سخنرانی خود در بوستن امریکا در سال ۱۹۱۴، هدف فلسفه را «فهم نظری» جهان دانست و گفت که چنین موضوعی برای حیوانات یا انسان‌هایِ نامتمدن اهمیت چندانی ندارد و حتی فراتر از این، برای بیشتر متمدنان نیز خیلی مهم نیست.

فلسفهٔ پنهان

روان‌شناس سوئیسی، کارل یونگ (۷) بر این باور بود که دست‌برداشتن از فلسفهٔ «عملی»، پسرفتی تأسف‌آور است. یونگ در سپتامبر ۱۹۴۲ در سخنرانی افتتاحیهٔ همایش روان‌شناسی درِ شهر زوریخ سوئیس، پزشکان و روان‌شناسان شرکت‌کننده را صریحاً تحت فشار قرار داد. او فلسفهٔ دانشگاهی را چنین وصف کرد: «من دشوار می‌توانم واقعیت پنهان‌شده در درون افراد را بیرون بکشم. به همین علت است که ما روان‌پزشکان و روان‌شناسان باید فیلسوف نیزباشیم یا به‌تمام‌معنا «پزشکِ فلسفه» باشیم. البته ما آمادگی پذیرشِ چنین سخنی را نداریم؛ چون مَیان ما و آنچه فلسفه در دانشگاه‌ها به آن می‌پردازد، جدایی نمایانی است.»

دیدگاه یونگ به این نکته اشاره دارد که فلسفه از زمانی که رخت خدمت به اَنسانیت را از تن بیرون کرد، راه خود را نیز گم کرد. فلسفهَ آنگاه به کج‌راهه رفت که ازطبیعت عملی خویشِ روی گرداند و بدل به چیزی شد که تنها دانشگاهیان در میان خود به آن مشغول بودند. یونگ دریافته است که روان‌پزشکان و روان‌شناسان، آنگاه که بیمارانشان را در تعامل با مشکلات یاری می‌کنند، در حقیقت و البته به‌معنایی عملی مشغول فلسفه‌ورزی‌اند. درعین‌حال آنان جرئت نمی‌کنند خویش را «فیلسوف» بنامند. این به‌خاطر «سوءشهرت» فلسفه در زمینهٔ سودمندی است؛ البته اگر مجاز باشیم تعبیر «سوءشهرت» را به کار ببریم. اینجا است که چنین پرسشی مطرح می‌شود: چراشاغلانِ آموزش دیده در حوزهٔ روان‌شناسی، باید به‌گفتهٔ یونگ، ابتدا با بیماران خویش از در فلسفه درآیند؟ این نکته ممکن است بخشی از پاسخ را روشن سازد: در آن دوره از تاریخ فلسفه، همه یا بیشتر فیلسوفان تمایل نداشتند که مردمان عادی را در تعامل با مشکلات زندَگی روزمره‌شان یاری کنند.

شکی نیست که فلسفهٔ کنونی با فیلسوفان بهتر کارمی‌کند تا مردم عادی و پس از فیلسوفان، پژوهشگران عمیق در فلسفه. یعنی فیلسوفانی که در فلسفه‌ورزی مهارت دارند، به دانشجویان تازه‌کار، فلسفه می‌آموزند تا این دانشجویان بتوانند در آینده به دانشجویانِ پس از خود فلسفه بیاموزند و این روند به همین ترتیب تا بی‌نهایت اَدامه یابد! در این میان، هیچ‌کس به فلسفهٔ عملیِ مطلوب نمی‌پردازد. این مثل این است که پزشکان بخواهند به تدریَس طب به دانشجویان بسنده کنند و آن دانشجویان نیز در آینده تنها سرگرم تدریس شوند و بس؛ بدون اینکه هیچ‌کس از آنان به کاربرد پزشکی در زندگی مردم اهمیتی بدهد و به‌سراغ معالجهٔ بیمارانی برود که در زندگی و در جامعه رنج می‌کشند.

توانایی فلسفه

پیش‌ازاین گفتیم که این ایده که «فلسفه باید از جهت عملی مفید باشد» حرف نویی نیست. بسیاری از فیلسوفان بزرگ دریافتند که نقش فلسفه در یاری‌رسانی به و پشتیبانی از آدمیان برای رویارویی با سختی‌هایی که بدان دچارند، نقشی مهم و اساسی است. خوب است در اینجا از اپیکور (۸)، فیلسوف یونانی وام بگیرم که بیش از دوهزار سال پیش، فلسفه را «علاج روح» دانست. او بر این باور بود که استدلال‌هایی که فلاسفه مطرح می‌کنند، اگر چیزی از رنج انسان نکاهد، بی‌شک عقیم خواهد بود. رواقیان (۹)نیز معتقد بودند که فلسفه تنها ازبرکردن نظریات یا تأویل برخی متن‌ها نیست؛ بلکه «هنر آموختنِ زندگیِ باکرامَت» است. افزون‌براین‌ها، سقراط نیز بر این باوَر بود که فلسفه، آموختنِ مفاهیم و مقولات نیست. ازاین‌رو شرکت‌کنندگان در جلساتِ بحثِ خود را تشویق می‌کرد که پرسش‌ها و دغدغه‌های خویش دربارهٔ باورها و افکارشان را مطرح سازند و اندیشه و آرای خود را دربارهٔ هر مسئله‌ای که تصورکردنی است، به‌دقت بکاوند.

در تاریخ جدید نیز فیلسوفانِ مشابهی بوده‌اند. فردریک نیچه، فیلسوف آلمانی، فلاسفه و اندیشمندَان روزگار خود را سرزنش می‌کند که چرا فلسفه باوجود آن‌ها به یک کار دانشگاهی کسالت‌آور تبدیل شده است. نیچه می‌گوید در انتظار چیزی است که نام «پزشکِ فیلسوف» بر آن نهاده است. پزشک فیلسوف که از شجاعت کافیَ برخوردار است، خود را با این گفته به خطر می‌اندازد که آنچه تا این مرحله از فلسفه‌ورزی سنجیده شده است، هیچ‌گاه «واقعیت» نبوده است؛ بلکه واقعیت، چیزهای دیگری است. بگذارید چنین بگوییم: تندرستی، آینده، رشد، قدرت و زندگی.

> *** فلسفه از زمانی که رختِ خدمت به انسانیت را از تن بیرون کرد، راه خود را نیز گم کرَد. فلسفه آنگاه به کج‌راهه رفت که ازطبیعت عملی خویش روی گرداند و بدل به چیزی شد که تنها دانشگاهیان در میان خود به آن مشغول بودند**
>
> *** فیلسوف معاصر فرانسوی، لوک فری می‌گوید: «چیزی در فلسفه وجود دارد که به غلبه بر ترس‌های فلج‌کنندهٔ زندگی کمک می‌کند. آموختن زندگی و آموختن نترسیدن از ابعاد گوناگونِ مرگ، از اهداف پیشین مکاتب فلسفی در تاریخ یونان کهن بوده است. این موضوع، رسالت این مکاتب به شمار می‌رفته و لذا شایستهٔ توجه است.»**

همچنین لودویگ ویتگنشتاین (۱۰)، فیلسوفی که بیشترین تأثیر را بر قرن بیستم گذاشت، در مجلهٔ امریکایی تایم دربارهٔ فایدهٔ فلسفه‌خواندن پرسش‌هایی مطرح کرد. او گفت کاری که فلسفه‌خواندن با ما می‌کند، این است که مثلاً به ما توانایی می‌دهد که با دیگران دربارهٔ سؤالات مطرح‌شده در منطق به‌طور عقلانی گفت‌وگو کنیم. پس اگر قرار نیست فلسفه‌خواندن، اندیشهٔ ما را دربارهٔ سؤالات سرنوشت‌ساز در جهان بهبود ببخشد و تقویت کند، چه فایده‌ای دارد؟ در همین رابطه جان دیویی (۱۱)، فیلسوف امریکایی و صاحب‌نظر بزرگ حوزهٔ تربیت و تعلیم، در اوایل قرن گذشته چنین می‌گوید: «فلَسفه تنهازمانی می‌تواند ارزش حقیقی خود را آشکار سازد که صرفاً ابزاری برای پرداختن به مشکلات فیلسوفان نباشد و تبدیل به روش یا وسیله‌ای شود که از نزد فیلسوف به درآمده ورهسپار تعامل با مشکلات آدمیان شود.»

فیلسوف معاصر فرانسوی، لوک فری (۱۲) می‌گوید: «چیزی در فلسفه وجود دارد که به غلبه بر ترس‌های فلج‌کنندهٔ زندگی کمک می‌کند. آموختن زندگی و آموختن نترسیدن از ابعاد گوناگونِ مرگ، از اهداف پیشین مکاتب فلسفی در تاریخ یونان کهن بوده اسَت. این موضوع، رسالت این مکاتب به شمار می‌رفته و لذا شایستهٔ توجه است.»

آنچه تا اینجا گفتیم، دعوتی است از «دوست‌داران حکمت» در همه جا تا زمام امر را به دست بگیرند و فلسفه را از انحصار تالارهای سخنرانی برهانند و به جهان واقعیِ زندگی عرضه کنند. ما نباید از کارکرد «درست» فلسفه غفلت کنیمَ. من و نیز دیگران می‌پنداریم این کارکرد، کمک به انسان‌ها برای رویارویی با بخشی از مشکلات یا مسائلی است که در آنان ایجاد نگرانی می‌کند. پس از انجام این مهم، فلسفه باید به‌وسیلهٔ فیلسوفان یا «مشاوران فلسفی» (۱۳) به مردم بیاموزد که آنان خود یا با کمک دیگر برخورداران از «آگاهی» والا، می‌توانند بسیاری از مشکلاتشان را یکی پس از دیگریَ برطرفَ سازند.

خبرگی فیلسوفانه

نقش فلسفه زمانی روشن‌تر می‌شود که مشکلات پیچیده‌تر شود. به‌عنوان‌مثال، وقتی معلوم می‌شود که میان برخی ارزش‌ها و مواضع اخلاقی، ستیزی وجود دارد یا هنگامی که واقعیت‌هایی متناقض آشکار می‌شود یا عقل در رویارویی با یکی از مشکلات در محدوده‌ای گرفتار می‌شود یا حتی زمانی که زندگی به‌طور پیش‌بینی‌ناپذیری بی‌معنی یا غیرمنصفانه به نظر می‌رسد... در همهٔ این مواقع و از این نیز بیشتر، فیلسوف یا فلسفه‌ورز یا مشاور فلسفی می‌تواند بیشتر از یک دوست فایده داشته و یاری‌رسان باشد.

امیدوارم «مشاورهٔ فلسفی» در آینده در زندگی ما جایگاه خود را بیابد. این مشاوره به‌طور مستقیم به‌سراغ ذات مسئله ی فلسفی، ترس‌های عمومی یا مسائل مهم شخصی نمی‌رود؛ بلکه بهترین اطلاعات نظری را به‌همراه کارآمدترین روش برای رویارویی با مشکلات غیرآکادمیک به افراد عرضه می‌کند. این افراد کسانی هستند که در برابر دشواری‌ها و چالش‌های زندگی شخصی خود، به‌دنبال پشتیبان می‌گردند. ازآنجاکه مشاوران فلسفی، مشکلات فلسفی را شبیه به راهنمایانِ متخصص روان‌شناسی تشخیص نمی‌دهند، می‌توانند «مشاوره‌ای فَلسفی» بدَهند که گاه از بسیاری روان‌درمانی‌ها مفیدتر است. از این دیدگاه لازم است بگوییم که تعامل مشاور فلسفی با برخی مسائل عاطفی و نمونه‌های مشابه، به این معنا نیست که او به فلسفهٔ «حقیقی» نمی‌پردازد؛ بلکه هر پرسشی که «بیمار» یا مراجعه‌کننده یا افراد را نگران می‌کند، بر تخصص فلسفی او می‌افزاید. این درست مثل همان کاری است که در آموزشگاه یا دانشگاه با هم‌کلاسی‌های خود به آن اشتغال داشته است. «مشاورهٔ فلسفی» (۱۴) هیچ‌گاه جایگزین فلسفهٔ دانشگاهی و گفت‌وگوهای علمی در سال تحصیلی نخواهد شد؛ بلکه این نوعی «همکاری» یا گفت‌وگوی خلاقانه میان دو نفر است. یکی از این دو، مشاور فلسفی است که به‌طور گسترده و برابر در دو زمینهٔ تاریخ فلسفه و فلسفه‌ورزی آموزش دیده است. نفر دوم هم بیمار است که علاقه‌مند به استفاده از این تخصص است. هدف مشاور فلسفی درنهایت بهبودبخشیدن به زندگی این مراجعه‌کننده است.

برعکس آموزشِ فلسفه در طول سال تحصیلی دانشگاهی، مشاورهٔ فَلسفی درَ مقام نخست، به‌معنای انتقال مستقیم معرفت از کارشناس، یعنی مشاور فلسفی، به نوآموز (۱۵) ، یعنی بیمار نیست؛ البته گاهی اوقات هست که بیمار می‌خواهد از مشاور فلسفی برخی چیزها را بیاموزد: مهارت‌های تفکر انتقادی و نوآورانه یا آنچه فیلسوفان بزرگ دربارهٔ مجموعه‌ای از مسائل گوناگون گفته‌اند یا چگونگی تصمیم‌گیری اخلاقی یا درستیِ گردن‌نهادن بر باوری خاص یا به‌طور خلاصه یکی از امور اینچنینی. درَ این صورت مشاورهٔ فلسفی بدل به نوعی از تدریس و آموزش می‌شود و بر تبادل توانایی‌ها و اطلاعات تأکید می‌ورزد.

پی‌نوشت‌ها:

[۱] این دانشگاه را امروزه «دانشگاه قاهره» می‌نامند.

[۲] knowledge

[۳] craftsman

[۴] مارکوس یا لوسیوس آنائوس سنکا مشهور به «سنکای جوان»، فیلسوفی رواقی بود که در سال‌های ۴۰ قم تا ۵۵ م در روم می‌زیست.

[۵] أبومحمد عبدالله‌بن‌محمدبن‌السِّیدالبَطَلْیَوسی، از ادبای مسلمان بود که در سال ۱۰۵۲م در اندلس زاده شد و به سال ۱۱۲۷ از دنیا رفت. المسائل والأجوبهٔ، المثلث، شرح سقط الزند و الحلل فی أغالیط الجمل، عنوان برخی کتب او است.

[۶] بوستان‌هایی از مطالب والا و دشواریاب فلسفی.

[۷] کارل گوستاو یونگ، روان‌پزشکی سوئیسی بود که نظریاتش در روان‌شناسی با عنوان «روان‌شناسی تحلیلی» معروف است. او در کنار فروید، از پایه‌گذاران دانش جدید روان‌کاوی محسوب می‌شود. یونگ به سال ۱۸۷۵ زاده شد و در سال ۱۹۶۱ از دنیا رفت.

[۸] اپیکور (Epicurus) فیلسوف یونانی در ۳۴۱ق‌م در ساموس واقع در دریای اژه زاده شدو در سال ۲۷۱ق‌م در ۷۱سالگی بدرود حیات گفت.

[۹] رواقی‌گری (Stoicism) مذهبی فلسفی است که زنون کیتسیونَی (Zeno of Citium) آن راتأسیس کرد. عنوان «رواقی» بدین مناسبت است که حوزهٔ ایشان در یکی از رواق‌های آتن منعقد می‌شد.

[۱۰] لودویگ یوهان ویتگنشتاین متولد ۱۸۸۹ در وین اتریش و مرگ ۱۹۵۱درکمبریج انگلستان، فیلسوف اتریشی قرن بیستم که باب‌های زیادی را در فلسفهٔ ریاضی، فلسفهٔ زبان و فلسفهٔ ذهن گشود.

[۱۱] جان دیویی، زادهٔ ۱۸۵۹ و درگذشته به سال ۱۹۵۲، یکی از فیلسوفان بسیار معروف امریکایی قرن بیستم و از پیشتازان عمل‌گرایی است که آرای انقلابی‌اش درباب سرشت فلسفه، آموزش، جامعه و سیاست بحث‌های فراوانی را به وجود آورد.

[۱۲] لوک فری، فیلسوف معاصر، زادهٔ ۱۹۵۱ در فرانسه است. او از مدافعان جدی انسان‌گرایی سکولار و از اعضای سابق بنیاد فکری سن سیمون است.

[۱۳] المستشارین الفلسفیین.

[۱۴] الاستشارهٔ الفلسفیهٔ: مراد فلسفه‌ورزی از طریق راهنمایی فلسفی است.

[۱۵] یا از صاحب معرفت به طالب معرفت.

آگهی تغییرات شرکت فیدر طرح و تجهیز انرژی سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۰۴۶۰۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۵۲۹۹۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طورفوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای ابراهیم مومنی فر کد ملی ۱۹۱۰۱۰۷۳۱۱ به سمت رئیس هیئت مدیره، آقای محمدرضا مومنی فر کدملی ۱۹۰۰۰۵۷۷۶۱ به سمت نایب رئیس هیئت‌مدیره و آقای روح‌الله کریم سرمدی کدملی ۲۲۷۹۸۲۹۱۰۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب شدند. مقرر گردید که امضاء کلیه اوارق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات عقد قرارداد و عقود اسلامی با امضاء مشترک مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد. آقای ابوذر غلامرضایی ثانی کدملی ۲۲۷۹۸۳۷۷۵۷ به سمت بازرس اصلی، خانم مریم تقی مشائی کدملی ۲۲۷۹۸۴۱۱۶۹ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب شدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین وضعیت حق امضاء، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره، انتخاب بازرس، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی درسوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۹۹۱۷۳ـ ۳۰۵۳۰۱/م الف

آگهی تغییرات شرکت سازمان مدیریت صنعتی سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۳۰۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۰۶۳۵
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۸/۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدعلی محمدی به شماره ملی ۰۰۴۲۸۰۲۱۳۱ به سمت مدیرعامل (خارج از اعضاء هیئت مدیره) انتخاب گردید. اختیارات هیئت مدیره طبق بند (ب) ماده ۱۷ اساسنامه به مدیرعامل تفویض گردید. کلیه اوراق و اسناد بهادار از قبیل چک، سفته، برات اسنادی و حساب‌های پرداخت هزینه، تمرکز وجوه و درآمد سازمان با دو امضاءاز بین مدیرعامل سازمان یا یک عضو هیات مدیره یا آقای احمد بذلی با سمت قائم مقام مدیرعامل به شماره ملی ۴۹۱۰۲۹۴۲۴۴ یا آقای علی خوشنود با سمت مدیرمالی و به شماره ملی ۱۷۵۶۱۰۴۳۳۶ معتبر خواهد بود. کلیه قراردادها و مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل سازمان یا قائم مقام ایشان معتبر خواهد بود.
با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین سمت مدیران، تفویض اختیارات هیئت مدیره به مدیرعامل انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران
۳۳۹۷۴۸۰ـ ۳۰۵۳۰۲/م الف

آگهی تغییرات شرکت گوهر طلایی پاسارگاد سهامی خاص
به شماره ثبت ۴۳۷۴۴۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۶۸۶۴۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی و خدمات مالی یکتا تدبیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۹۹۵۱۲ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای سید رامتین حسنی به کدملی ۴۵۶۹۴۲۳۰۶۱ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب

آگهی فراخوان مجمع عمومی عادی سالیانه
مجمع ایران برای فردا ـ تولید و صادرات IBF
در راستای اجرای اساسنامه مجمع ایران برای فردا ـ تولید و صادرات (IBF) مجمع عمومی عادی سالیانه این مجمع در ساعت ۱۵ روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۰ در محل دفترمجمع به آدرس: تهران ـ خیابان قائم‌مقام فراهانی ـ کوچه هشتم ـ پلاک ۱، طبقه دوم با دستور جلسه زیر برگزار می‌گردد: دستور جلسه: ـ گزارش عملکرد هیأت‌مدیره و بازرس ـ

آگهی فروش
شرکت شهر صنعتی کرمانشاه در نظر دارد بر اساس مصوبه شماره ۴۲۲ مورخ ۹۵/۳/۳۱ کلیه اراضی کشاورزی خارج محدوده شهرصنعتی به متراژهای ۱۴۰۰۰ ـ ۱۶۰۰۰ ـ ۲۷۰۰۰ و... را به‌فروش برساند. لذا لازم است خریداران با تکمیل فرم تقاضای کتبی و قید مبلغ پیشنهادی و پیوست پرفراژ بانکی پرداخت پنجاه درصد قیمت پیشنهادی خود به صورت امانت نزد شرکت تا اتخاذ تصمیم هیأت‌مدیره مبنی بر تشخیص واگذاری این املاک به فرد مورد نظر به دفتر شرکت ظرف یک هفته از تاریخ انتشار آگهی مراجعه و مدارک و درخواست خود را تحویل نمایند. بدیهی است واریز پنجاه درصد وجه پیشنهادی حقی برای واریزکننده و متقاضی ایجاد نخواهد کرد و تشخیص واگذاری یا عدم واگذاری بر عهده هیأت‌مدیره است.

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت کار آمد رایانه ایلیا سهامی خاص (در حال تصفیه)
به شماره ثبت ۴۰۶۲۳۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۶۶۸۲۴ (نوبت اول)
پیرو آگهی انحلال منتشره در روزنامه رسمی به شماره ۲۰۷۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۶ که در صفحه ۳۹ منتشر گردیده و در اجرای مفاد ماده ۲۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت بدینوسیله از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و بستانکاران شرکت که ادعا و یا طلبی از شرکت مذکور دارند دعوت می‌شود حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی با در دست داشتن مدارک و مستندات مربوطه به مدیر تصفیه شرکت آقای علیرضا امید به کدملی ۴۰۷۰۴۷۴۶۸۴ به‌نشانی تهران کیلومتر ۱۱ بزرگراه فتح (جاده قدیم کرج) روبروی سه راه شهریار شرکت فروشگاه‌های زنجیره‌ای اتکا کدپستی ۱۳۸۹۸۱۹۹۹۵ مراجعه نمایند.

نوبت سوم
آگهی دعوت از بستانکاران شرکت در حال تصفیه قوطی‌سازان غزل (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۵۸۶۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۴۳۵۴۲
در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت، بدینوسیله از کلیه بستانکاران شرکت دعوت به عمل می‌آید با به‌همراه داشتن کلیه مدارک و مستندات مثبته نسبت به ادعای خود ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به نشانی قزوین ـ ۱۴ کیلومتری جاده بوئین‌زهرا شهرک صنعتی لیاء جدید ـ بلوار هنر ـ خیابان اشتغال ـ شرکت قوطی‌سازان غزل ـ کدپستی ۳۴۴۹۱۳۳۵۷۴ مراجعه فرمائید.